

خودباوری و مقاومت؛ قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران

shojaeehadi@yahoo.com

هادی شجاعی / دکتری علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۶

دریافت: ۹۹/۰۶/۰۶

چکیده

جهان‌بینی الهی و تبلور مکتبی آن در قالب دین اسلام، مجموعه منابع جذابیت‌آفرین انقلاب اسلامی را از حیث تنوع، پراکندگی، عمق و دیرپایی، از منابع قدرت نرم در مکاتب مادی متمایز می‌سازد. خودباوری و مقاومت دو عنصر تعیین‌کننده در تولید قدرت نرم در فرایند تحقق، پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی هستند که از طریق کارکردهای گوناگون خود، قدرت نرم‌افزاری انقلاب را به شکل چشمگیری افزایش می‌دهند. این پژوهش در پاسخ به این سؤال اساسی که «عناصر خودباوری و مقاومت از طریق چه فرایندها زمینه ایجاد قدرت نرم‌افزاری را فراهم می‌کنند؟» می‌کوشد با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، کاربست این دو عنصر را در مدار قدرت‌آفرینی تجزیه و تحلیل کرده و از این رهگذر، اثبات کند که این مؤلفه‌های بنیادین از طریق آگاهی‌بخشی و تزریق روحیه اعتماد به نفس به ملت‌ها، احیاء عنصر مبارزه و بایرداری در میان آنان و ارائه الگوی مبارزه و استقامت، بستر مناسبی را در جهت تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی ایجاد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: خودباوری ملی، پایداری انقلابی، قدرت نرم، انقلاب اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

روز شورش، دولتی که به مدرن‌ترین و قدرتمندترین دولت مسلمان خاورمیانه شهرت داشت، همچون یک قلعه کاغذی سست‌بنیاد فرو ریخت» (دیگارد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵).

از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان انقلاب‌ها، حرکت مردم ایران در بهمن ۵۷ شالوده بسیاری از قواعد حاکم بر سیاست بین‌الملل را برهم زد و با برهم زدن شیوه‌های قراردادی تحلیل و همین‌طور ریشه‌دارترین عادات و روش‌های عقلی و مفهومی موجود در تفسیر و تبیین حرکت‌های مردمی، سرآغاز فصل نوینی در رویکرد به قدرت در سیاست داخلی و خارجی گردید (برومرز، ۱۳۸۴، ص ۵۴). آنچه در تحلیل انقلاب اسلامی ایران، ذهن ناظران و پژوهشگران عرصه انقلاب‌ها را به خود معطوف کرد، تکیه بر جنبه نرم‌افزاری قدرت بود که تا آن زمان امری غریب می‌نمود. اسپوزیتو در کتاب *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، انقلاب اسلامی را اولین انقلاب موفق سیاسی - اسلامی در دنیا می‌داند که به‌جای اتکا به فعالیت‌های مسلحانه و استفاده از ابزار خشونت در مبارزات خود، تمرکز خود را بر اسلام و ایدئولوژی شیعه و همچنین رهبری روحانیت و غیرروحانیت که همگی از مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم به‌شمار می‌روند، قرار داده (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۹) و با فراوری هدفمند همین منابع و ظرفیت‌های نرم قدرت، در مقابل گلوله‌های آتشین قد علم کرده و با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد به پیروزی رسید. *حامد الگار* با طرح این سؤال بنیادین که ایرانیان چگونه توانستند بدون برخورداری از منابع مادی قدرت، با یکی از مجهزترین ارتش‌های دنیا مقابله کرده و رویاروی همه قدرت‌های بزرگ جهانی ایستاده و در نهایت به پیروزی برسند؟ مؤلفه‌ها و منابع قدرت‌آفرین ملت ایران را شامل عواملی همچون رهبری امام خمینی^ع و ابعاد اخلاقی و روحی ایشان و جذابیت آن برای مردم ایران معرفی کرده و معتقد است این تحول بنیادین در الگوهای مبارزاتی تا صدسال دیگر نیز مورخین غربی را دچار سرگیجه خواهد کرد (الگار، بی‌تا، ص ۵۵-۵۴).

طرح این گفتمان جدید از قدرت، موجب گردید انقلاب اسلامی دارای مؤلفه‌هایی گردد که بعدها به‌عنوان منبع اقتدار نرم معرفی شده و به تعبیر جوزف نای، الگوی نرم انقلاب اسلامی به‌عنوان رقیبی تمام‌عیار در برابر هژمونی نظام سلطه جهانی قد علم کند؛ «اکنون در برابر آمریکا،

حکومت‌ها برای بقاء و توسعه خود همواره در پی گسترش منابع قدرت و استفاده موفقیت‌آمیز از این منابع هستند. از سوی دیگر، پیشبرد اهداف یک کشور در جامعه جهانی که مستلزم نوعی مدیریت و بعضاً اعمال نفوذ بر دیگر بازیگران بین‌المللی است؛ کشورها را وادار به بازتولید مداوم منابع قدرت خود می‌کند و از همین‌رو، بازشناسی منابع گوناگون قدرت و نحوه بهره‌گیری از آنها در دوره‌های مختلف تاریخی، منجر به ظهور اشکال جدیدی از قدرت گردیده است. قدرت نرم یکی از اشکال جدید قدرت است که محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است.

امروزه با توجه به شرایط جهانی و تثبیت جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی کشورها و آثار عمیق و دیرپایی که از منابع قدرت نرم ناشی می‌گردد، سرمایه‌گذاری هنگفتی متوجه این سنخ از منابع قدرت شده و کشورهای بزرگ و کوچک دنیا، برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی را در جهت استفاده بهینه از منابع قدرت نرم خود طراحی کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ به‌عنوان «حرکتی بنیادین و تحولی اساسی در اوضاع و احوال سیاسی جامعه، براساس آموزه‌های اسلامی به‌منظور جایگزین کردن نظامی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی» (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۷۶)، پیروزی قدرت نرم بر قدرت سخت را به‌صورت عملی و در برابر دیدگان افکار عمومی دنیا به منصه ظهور رساند و از این جهت، آزمایشگاهی بود که در آن ظرفیت‌های عظیم قدرت نرم برای اولین بار در این مقیاس گسترده مورد آزمایش قرار می‌گرفت. ژان پیر دیگارد، مردم‌شناس و ایران‌شناس فرانسوی با ارائه تصویری دقیق از مختصات انقلاب اسلامی، حضور پررنگ و کامل مؤلفه‌های نرم قدرت در میدان مبارزه با یک قدرت سخت تمام‌عیار را به‌خوبی نشان داده است. وی در این باره می‌نویسد: «در پایان سال ۱۹۷۸ تمامی یک کشور به رهبری پیرمردی ناشناس، شخصیت مذهبی تقریباً ناشناخته تا آن زمان، که از خانه محقری در حومه پاریس به رهبری می‌پرداخت علیه پادشاهی‌ای با قدمت بیش از دو هزار سال پیا خاست. طی دو

بلکه باید کارکرد این مؤلفه در فرایند تولید قدرت به خوبی تبیین شود و مشخص گردد که براساس چه فرایندی موجب جذابیت برای انقلاب اسلامی است. اساساً مطالعه عمیق و همه‌جانبه‌ای درباره منابع خودباوری و مقاومت با تمرکز بر فرایند تولید قدرت از طریق این دو عنصر صورت نگرفته و همین امر موجب پایه‌ریزی این پژوهش گردیده است. مقاله حاضر براساس یک چارچوب نظری مشخص سامان می‌یابد که نقش انقلاب اسلامی در ارتقاء جایگاه قدرت نرم در معادلات سیاسی را تجزیه و تحلیل کرده و بستر تئوریک مناسبی را برای طرح عناصر نرم‌افزاری قدرت فراهم می‌کند. سپس با بررسی ماهوی مؤلفه‌های خودباوری و مقاومت و جایگاه آنها در تفکر انقلابی، فرایندهایی که از طریق آن موجب ارتقای قدرت نرم انقلاب می‌شوند، بررسی می‌گردد.

۱. خودباوری و قدرت نرم

خودباوری، باور به استعدادها، توانایی‌ها و نیروهای بالقوه و بالفعل درونی است که در نتیجه احساس ارزشمندی در نفس انسان پدید آمده و با اتکا به آن، می‌توان به اهداف بزرگ جامع عمل پوشاند. از این حالت روحی در فرهنگ اسلامی با تعابیری همچون همت، مناعت طبع، اعتماد به نفس، عزت نفس و... یاد می‌شود. خودباوری وقتی در طراز یک ملت و تحت عنوان خودباوری ملی مطرح می‌گردد، از ارکان مهم تعالی جامعه و عاملی تعیین‌کننده در رسیدن جوامع، ملت‌ها و دولت‌ها به پیشرفت، عزت و سربلندی به‌شمار می‌رود. البته بنا بر مبانی اندیشه دینی تردیدی در این مسئله وجود ندارد که خودباوری در فرهنگ دینی در تناسب با اصل توحید و مرکزیت عالم مطرح می‌شود و با رویکرد مشرکانه به مقوله اعتماد به نفس که آن را در برابر اعتماد و اتکا به ظرفیت‌های انسانی در برابر قدرت خداوند مطرح می‌کند از اساس متمایز است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۲۳۸).

در طول حداقل دو سده اخیر، با نفوذ اجانب در ایران و پیگیری سیاست تحقیر و دمیدن روح ناتوانی و ناامیدی در ملت ایران، روح خودباوری از جامعه ایرانی رخت بر بسته و زمینه برای وابستگی مطلق کشور به غرب فراهم گردیده بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، که بر پایه احیاء فرهنگ خودباوری در میان ملت صورت گرفته بود، ایران اسلامی با باور و اتکا به توانمندی‌های داخلی خود گام در مسیر پیشرفت و استقلال گذاشت. بنیانگذار

بلوکی قدرتمند و متکی به ابزار و فناوری نظامی وجود ندارد؛ اما آنچه آمریکا را به چالش کشیده است، قدرت ایدئولوژی و احیاءگری اسلامی است» (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶). به همین دلیل باید همانند *رایت در کتاب آخرین انقلاب بزرگ*، انقلاب ایران را یکی از نقطه عطف‌های بزرگ قرن بیستم به‌شمار آورد (رایت، ۱۳۸۲، ص ۱۹) که در کنار سایر نوآوری‌های خود، با ارائه شکلی نوین از قدرت، گفتمانی جدید در سیاست قدرت در عرصه بین‌المللی ایجاد کرده و از این طریق، هم ظرفیت‌های قدرت نرم در سیاست داخلی و خارجی را به‌صورت عملی تجربه کرد و هم در ردیف اولین بازیگران بین‌المللی قرار گرفت که به تصریح قانون اساسی خود، تکیه اصلی در سیاست خارجی را بر به‌کارگیری مؤلفه‌های نرم قدرت در پیشبرد اهداف قرار داد.

خودباوری و مقاومت از منابع مهم تولید قدرت نرم‌افزاری و از عناصر جذابیت‌آفرین در انقلاب اسلامی هستند که به دلیل برخورداری از کارکردهای مشخص، در فرایند ایجاد قدرت نرم مؤثر می‌باشند. ایده اصلی این پژوهش ناظر به جایگاه خودباوری و مقاومت در هندسه منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی و با تمرکز بر این پرسش بنیادین شکل گرفته که مؤلفه‌های خودباوری و مقاومت، براساس چه فرایندهایی به ایجاد قدرت نرم برای انقلاب اسلامی منجر می‌شوند؟ پژوهش‌های صورت گرفته در باب منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی، به‌ویژه منابع خودباوری و مقاومت، با وجود غنا و تتبع خوب، از توضیح فرایند تولید قدرت نرم توسط این منابع غافل شده‌اند. مانند: *منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام* (ردادی، ۱۳۸۹)؛ *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی فلسطین (۱۳۸۱-۱۳۸۷)* (افتخاری و یوسفی، ۱۳۹۱)؛ *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی لبنان* (خرمشاد و بیگی، ۱۳۸۸).

یکی از اشکال عمده موجود در بیشتر این منابع، غفلت از تجزیه و تحلیل فرایند تولید قدرت نرم توسط یک منبع و تأکید صرف بر شکل مستقیم ایجاد قدرت در مفهوم کلی آن است؛ درحالی که یکی از مهم‌ترین مسائل موجود در مبحث قدرت نرم که می‌تواند به‌عنوان نقش راهنمای کشورها برای سرمایه‌گذاری درباره منابع قدرت نرم مدنظر قرار گیرد، فرایندی است که براساس آن، قدرت نرم تولید می‌شود. بنابراین صرف ادعای اینکه یک مؤلفه می‌تواند به‌عنوان منبع ایجاد جذابیت و تولید قدرت نرم عمل کند، راهگشا نخواهد بود؛

انقلاب اسلامی معتقد بود:

اگر ما بخواهیم استقلال پیدا کنیم، آزادی پیدا کنیم، مملکت خودمان را خودمان اداره کنیم، باید خودمان را پیدا کنیم؛ باید از این غربزدگی بیرون برویم؛ خیال نکنیم همه چیز آنجاست و ما هیچ نداریم... ما همه چیز داریم. فرهنگ ما فرهنگ غنی است؛ باید پیدایش کنیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۳۸۶).

از دیدگاه آیت‌الله مصباح، امام راحل با دمیدن روح خودباوری در میان ملت و دعوت آنان به چنگ زدن به ریسمان الهی، موجب شکل‌گیری خصلت اتکاء به نفس در میان مردم و ظهور جلوه‌های استقلال و عزت و بزرگ‌منشی ملی شده و سرآغاز دوره جدیدی از عظمت و اقتدار ملت ایران گردید (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۲۷۰). شاید بتوان مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در تقویت و پرورش خودباوری ملی در این برهه تاریخی را تمسک به اسلام و بازگشت به خویش‌تن دانست. در حقیقت، خودباوری دینی که محصول خودشناسی و خودسازی در سایه تعالیم دینی است، در کنار باور به توانایی‌ها و امکانات ملی خود، مساعدترین زمینه را برای شکوفایی استعدادهای ملت ایران فراهم آورد. به تعبیر مقام معظم رهبری:

خودباوری در مردم ایران، ترکیبی از باورهای دینی و ملی است. ملیت ما از ابتدا با اسلام آمیخته بود؛ زبان، آداب، دانش، و دانشمندانمان با اسلام آمیخته بودند... فرهنگ، دانش، رفتار و سنت‌های ما با دین آمیخته و بسیاری از آنها از دین سرچشمه گرفته است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸).

ظهور روح خودباوری در میان یک ملت، استقلال حقیقی آن ملت از دیگر ملت‌ها و قدرت‌های بزرگ عالم را به دنبال داشت. استقلال ناشی از انقلاب اسلامی ماهیتی ذواب‌عاد و فراگیر داشته و در همه عرصه‌های اجتماعی نهادینه شده است. یاوری جامعه‌شناس ایرانی مقیم فرانسه معتقد است، اگر دعوت به هویت را دلیل وابستگی ایدئولوژیک عوامل و کارگزاران اجتماعی آن، در حقیقت دعوت به ایرانی بودن و اسلامی بودن یا به هردوی آنها به‌طور هم‌زمان تلقی کنیم، در این صورت بر مبنای آن، به‌طور طبیعی عنصر بیگانه منفور و مطرود می‌شود. از دیدگاه وی، شعار معروف انقلاب اسلامی یعنی: «نه شرقی نه غربی»، بر بیش از یک نفی سیاسی صرف دلالت دارد؛ بلکه بر مشخصه‌ای تأکید می‌کند که در ضمن آن، «هرگونه تسلیم و فرمان‌برداری از این یا آن نسخه و قرائت از یک جهان

فکری - فرهنگی واحد یعنی غرب نفی و رد می‌شود» (یاوری، ۱۳۸۴، ص ۸۸). یاوری تأکید می‌کند که نفی ایدئولوژیک تند و شدید انقلاب اسلامی به همان میزانی که متوجه غرب است، متوجه شرق نیز هست (همان، ص ۸۹)؛ بنابراین استقلال‌خواهی مندرج در انقلاب اسلامی، تفاوتی میان وابستگی به شرق و غرب قائل نبوده و هر دو را به‌صورت یکسان نفی می‌کند و به همین دلیل نیز فضیل ابوالنصر در کتاب *رویارویی غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی*، معتقد است ایران از خلال انقلاب اسلامی از چنان استقلال کاملی برخوردار شد که در تاریخ جدیدش به خود ندیده بود (ابوالنصر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲).

انقلاب اسلامی ایران با به زانو درآوردن ابرقدرت‌های شرق و غرب در سایه اندیشه‌رهایی‌بخش خود، عرصه جدیدی از خودباوری و اعتماد به نفس را در میان ملت‌ها گشود. امام خمینی^ع در طول دوران نهضت همواره ملت را بدین‌گونه مورد خطاب قرار می‌داد که:

اگر بخواهید مملکت خودتان را حفظ کنید و اگر بخواهید از تحت یوغ ابرقدرت‌ها تا آخر خارج بشوید به اسلام توجه کنید و به احکام اسلامی سر فرود آورید؛ اسلام برای ملت‌ها تمام آزادی‌ها و استقلال را فراهم می‌کند. خودشناسی و بازگشت به خویش‌تن اولین مرحله برگشت استعماری است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۴).

شعار نه شرقی نه غربی، به معنای نفی همه وابستگی‌ها و ایمان و اعتقاد به داشته‌های ملی، نشان از راهبرد کلان انقلاب در پرورش و حفظ خودباوری ملی بود که از دل فرهنگ ناب اسلامی سرچشمه گرفته بود و به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی مردمی را که: «در جاهلیت ستم‌شاهی، یک استعمارگر غربی را همانند مردم سائر ممالک استعمارزده صاحب خطاب می‌کرد، اکنون به برکت ولی مسلمین، امام راحل موفق شد که عروج کند و توجهش از زمین استعمار به آسمان استقلال معطوف گردد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۰).

۲. پایداری فعال و قدرت نرم

انزجار از ستمگری و دعوت به مبارزه با ظلم و سلطه بیگانه، از مبانی اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران است که از بدو پیروزی انقلاب، در قالب صدور آرمان‌های انقلاب به ملت‌های تحت ستم، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم نظام سلطه جهانی را تحت تأثیر خود قرار داده و موجب شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش و حرکت‌های

(جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۲). بنابراین امر به مبارزه نه به قصد کشورگشایی و سلطه‌گری بلکه برای تعدیل جامعه انسانی و ایجاد فضایی مناسب برای مصالح دین و دنیای بشر است و لذا فاقد اصالت بوده و صرفاً ماهیتی ابزارگونه و زمینه‌ساز برای هدایت و ارشاد جوامع انسانی دارد (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۳۵-۲۳۶).

البته روشن است که حرکت در این مسیر سهل و آسان نبوده و همواره مشکلاتی وجود خواهد داشت. از همین رو، خداوند متعال با دستور به استقامت و پایداری: «لَنْ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزِيلٌ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰) (به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است! سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: ترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است) مؤمنان را تهییج می‌کند که از تحمل مشکلات برای رهایی خود و دیگر بندگان خدا از دست سلطه‌گران و... اندوهی به خود راه ندهند. بی‌شک تحقق رشد و پیشرفت نظام اجتماعی درگرو تحمل مشکلات و استقامت در برابر سختی‌ها و نامایمات است و در حقیقت، پایداری و استقامت است که سبب بالندگی جوامع می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱۷، ص ۲۳۷-۲۳۸). آیت‌الله مصباح درباره کاربرد مفهوم استقامت در معارف دینی معتقد است که این مفهوم عمده‌تاً درجایی به کار می‌رود که در آن علاوه بر صلاح اولیه، تداوم هم موضوعیت داشته باشد. از این رو، مسئله استقامت، مشکل‌تر از اصلاح اولیه است و به همین دلیل، معمولاً بلافاصله پس از امر به مبارزه، فرمان به استقامت و پایداری داده می‌شود (مصباح، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۹). براین اساس، دین و فرهنگ دینی سهم قابل توجه و فعالی در جهت‌دهی به مبارزه و پایداری ملت ایران بر عهده داشته است (عشقی، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

به گفته بسیاری از ایران‌شناسان، مقاومت و ایستادگی یکی از ارکان هویت ایرانیان در طی قرون متمادی بوده است (استمیل، ۱۳۷۷، ص ۶۲)، اما همان‌طور که استاد شهید مطهری تأکید می‌کند، در طول دو سه قرن اخیر مسئله جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه در میان ملت ایران به امری فراموش شده درگذر تاریخ بدل شده بود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۱۷۲). اما با آغاز نهضت امام خمینی^ع سستی و کسالتی که ده‌ها سال دامنگیر ملت شده و مردم ایران را در برابر دشمنان خود زمین‌گیر و زبون ساخته بود، به یک‌باره برطرف شده

استقلال طلبانه بسیاری گردیده است. این رکن اساسی که به‌عنوان یکی از عوامل، بلکه اصلی‌ترین عامل اقبال روزافزون ملت‌ها به اندیشه انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود، ریشه در اندیشه ناب اسلامی دارد که در قرآن کریم و روایات، در ضمن باب جهاد و صبر و استقامت مطرح گردیده است.

جهاد یکی از اصول مسلم اسلام و مورد پذیرش همه فرق اسلامی است. استاد شهید مطهری اسلام را دینی انقلابی معرفی می‌کند که حس مبارزه و نفی وضع نامطلوب را در پیروانش به شدت تقویت کرده و برخلاف مسیحیت تحریف‌شده که معتقد است در دین نباید اثری از جهاد و مبارزه باشد؛ آنها را نسبت به مبارزه با ظلم و سلطه‌گری تهییج می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۱۷۰-۱۷۱). خداوند متعال در آیه ۷۵ سوره «نساء»، مستضعفان و مظلومان را موظف به دفاع و مقابله با مستکبران می‌داند: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ؛ و چرا در راه خدا و (نجات) مردان و زنان و کودکانی که زبون شمرده شده‌اند، نمی‌جنگید؟ رسول خدا ﷺ ترک کننده جهاد را محکوم به فنا و بدبختی دانسته و می‌فرماید: «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ، أَلْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا فِي نَفْسِهِ، وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ، وَمَحَقًّا فِي دِينِهِ. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعَزُّ أُمَّتِي بِسَابِكِ خَيْلَهَا وَ مَرَاكِزِ رِمَاحِهَا» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۲۷)؛ آن کس که جهاد را ترک گوید، خدا بر اندام او لباس ذلت می‌پوشاند و فقر و احتیاج بر زندگی و تاریکی بر دین او سایه شوم می‌افکند، خداوند پیروان مرا به وسیله سم ستورانی که به میدان جهاد پیش می‌روند و به وسیله پیکان‌های نیزه‌ها، عزت می‌بخشد.

ضرورت جهاد در اندیشه دینی مبتنی بر این اصل عقلایی سامان می‌یابد که ایجاد بستر مناسب برای احیای حقوق، لازمه وصول به آن حقوق بوده و بدون فضا سازی مناسب و رفع موانع، دستیابی به حقوق امری ناممکن خواهد بود. آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این اصل عقلایی، معتقد است همه اینها بشر براساس فطرت الهی خود، گرایش به خیر و سعادت حقیقی دارند؛ لکن در طول تاریخ زورمندان و طواغیت با سلطه بر مقدرات جوامع، موانع بسیاری را در مقابل تعالیم راهگشای انبیا و اولیای الهی ایجاد کرده و با هرگونه فعالیت ارشادی آنان به مقابله پرداخته‌اند. از این رو، «اسلام برای رفع آن موانع، مسلمانان را به جهاد و مبارزه مکلف کرد و این تکلیف تعلیقی، زمانی تنجز پیدا می‌کند که دیگران عملاً در مقام تضييع حقوقشان برآیند»

فرهنگ استقلال خواهی و آزادی خواهی را در سطوح مختلف ملت‌ها، دولت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش رسوخ داده و از این طریق هژمونی نظام سلطه را به چالش کشیده و خود را به‌عنوان الگوی جذابیت‌آفرین در زمینه استقلال‌طلبی و استعمارستیزی در میان ملت‌های جهان سوم مطرح کرد. انقلاب اسلامی پیام‌آور و احیاکننده تعالیم قرآن کریم در ضرورت آمادگی کامل علمی، عملی، فرهنگی، نظامی... امت و جوامع اسلامی در جهت نفی هرگونه سلطه است تا هیچ‌یک از قدرت‌های استعماری توانایی دست‌اندازی به استقلال و آزادی و منابع ملی را پیدا نکند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸).

برخلاف برخی برداشت‌های انحرافی از مفهوم استقلال که به انزوگرایی منجر می‌گردد (منصوری، ۱۳۷۴، ص ۵۶)، خودباوری و استقلال در اندیشه انقلاب اسلامی هیچ تناسبی با انزوگرایی نداشته، بلکه با افزایش عزت نفس و احساس توانمندی و رفع خودکم‌بینی و خودباختگی، زمینه بهره‌برداری از سرمایه‌ها و عرض‌اندام در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد. اعتماد به نفس ناشی از خودآگاهی و خودباوری ملت ایران در طی سه دهه اخیر، موجب شده که اکنون نظام جمهوری اسلامی ایران، به یکی از قدرت‌های منطقه‌ای و تأثیرگذار در مسائل بین‌المللی تبدیل شده و بسیاری از ملت‌های و گروه‌های اسلامی در لبنان، فلسطین، عراق و... با بازیابی اعتماد به نفس و تقویت خودباوری ملی در سایه تقویت ایمان اسلامی به بازیگری مؤثر در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شوند (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۱۳۷).

در حقیقت ماهیت مستقل و ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی و تلاش آن برای ایجاد نظام بین‌الملل فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری، موجب شد ملت‌های مسلمان که تا آن زمان در ضعف و زبونی و خودکم‌بینی مطلق، نسبت به قدرت‌های شرق و غرب قرار داشتند، به تدریج احساس هویت کرده و از حالت خمودگی خارج شوند. انقلاب اسلامی با بیان نظریه «نه شرقی نه غربی» توانست ابر نظامی جمعی، مبتنی بر برابری دولت‌ها و حاکمیت‌ها و تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل را رقم زده و با احیای ظرفیت‌ها و امکانات فراموش شده ملت‌های غیرمتعهد و نفی انفعال و ترس در برابر استکبار، درصدد قطع ریشه‌های وابستگی ملت‌ها به قدرت‌های بزرگ بین‌الملل برآید (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۳). مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، درباره تأثیر خودباوری و اعتماد به

و نشاط و فعالیت همه‌جانبه و روحیه مقاومت، سلحشوری، شجاعت و شهادت‌طلبی جای آن را گرفت. به‌طور طبیعی با پیدایش چنین روحیه‌ای، ایرانیان در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخی خود به فکر افتادند تا به هر طریق ممکن، رشته‌های وابستگی به بیگانگان را قطع کرده و با کسب استقلال همه‌جانبه خود را از دیگران بی‌نیاز سازند (مصباح، ۱۳۸۳، ص ۶۴-۶۳).

احیاء روحیه استقامت و مبارزه در ملت ایران در طول نیم‌قرن گذشته نتایج چشم‌گیری را برای کشور در پی داشته است. از یک‌سو ایران اسلامی را به قدرتی اثرگذار در معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرده و از طرف دیگر، موجب فراگیر شدن نسبی گفتمان انقلاب اسلامی ایران در زمینه مبارزه و پایداری در میان ملت‌ها از فلسطین و لبنان و... تا آمریکای لاتین گردیده است. لیلی عشقی دربارهٔ درسی که سایر ملل از مبارزه و پایداری ملت ایران گرفته‌اند، چنین می‌نویسد: «بازتاب این انقلاب قیلاً مرزها را درنوردیده تا راه‌های جدیدی را فرآوری سایر ملل مسلمان بگشاید. این انقلاب حتی به ملل مسلمان نیز محدود نمی‌شود؛ چون درس بزرگی که ملل تحت ستم و تحقیر شده می‌توانند از آن بیاموزند این است که نیرو و توان مردم در تفاوت‌هایشان با ظالمان و ستمگران نهفته است و نه در شباهت با آنان» (عشقی، ۱۳۸۴، ص ۵۳). به همین دلیل بای سعید با اشاره به فراگیر شدن این ویژگی در جهان اسلامی، بیداری ملت‌های اسلامی و احیاء عنصر مبارزه در میان آنها را موجب تبدیل اسلام به گویج‌کننده‌ترین، عجیب‌ترین و غیرقابل جبران‌ترین کابوسی که تمدن غربی هرچند وقت، یک‌بار با آن روبه‌رو شده است می‌داند (سعید، ۱۳۷۹، ص ۱).

با توجه به آنچه گفته شد، ارزش‌های خودباوری و مقاومت از مؤلفه‌های اساسی قدرت نرم‌افزاری هستند که تحت فرایندهای مختلفی به ایجاد جذابیت و بازتولید قدرت نرم برای انقلاب اسلامی می‌پردازند:

۳. افزایش اعتماد به نفس ملت‌ها

انقلاب اسلامی ایران از بدو تولد و در طول سه دهه از حاکمیت خود، تلاش کرده است با آگاهی‌بخشی به ملت‌های مستضعف و ایجاد مرز بین مستضعفان و مستکبران، بستری مناسب را برای حرکت‌های مستقل و آزادی‌بخش براساس خودآگاهی محرومان و مستضعفان فراهم سازد. روح خودباوری و استقلال‌طلبی منبعث از انقلاب ایران، با نفی وابستگی و آگاه کردن ملت‌ها نسبت به داشته‌های خود،

نفس ملت ایران در غلبه بر مشکلات می‌فرماید:

وقتی جمهوری اسلامی در سی سال قبل تشکیل شد، دشمنان می‌گفتند انقلاب اسلامی به پیروزی رسید؛ اما قادر نیست میدان‌های زندگی را یکی پس از دیگری مدیریت کند و عقب خواهد نشست. امروز جوانان ما به برکت اسلام توانسته‌اند کارهای بزرگی را در عرصه علم انجام بدهند که در گذشته هرگز به فکر خود آنها هم نمی‌رسید... ما توانایی‌های خودمان را دست کم نگیریم. از بزرگ‌ترین آفت‌هایی که فرهنگ غربی بر کشورهای اسلامی وارد کرد، دو تصور غلط و انحرافی بود: یکی تلقین و تزریق ناتوانی ملت‌های مسلمان؛ باوراندند که از شما کاری بر نمی‌آید؛ نه در میدان سیاست، نه در میدان اقتصاد، نه در میدان علم؛ گفتند شما ضعیف هستید. ما کشورهای اسلامی، ده‌ها سال طولانی در این باور غلط باقی ماندیم و عقب ماندیم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۰).

بی‌شک، آنچه امروز از تلاش‌های فعالانه ملت‌ها در روابط بین‌الملل و ایستادگی کشورها در مقابل زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های بزرگ مشاهده می‌شود، به اذعان آگاهان و صاحب‌نظران منطقه‌ای و بین‌المللی، ناشی از روح امید و اعتماد به نفسی است که از انقلاب اسلامی ایران به منطقه و جهان جریان پیدا کرده است (جندی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۷-۲۶۰). تأثیر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی در ایجاد اعتماد به نفس برای ملت‌ها و پیشسازی انقلاب در مبارزه با نظام سلطه، جذابیت فراوانی را برای آن همراه داشته است.

۴. احیاء روحیه پایداری در میان ملت‌ها

وقوع انقلاب اسلامی ایران، منجر به احیاء کارکردهای سیاسی دین در مخالفت با وضع موجود در نظام بین‌الملل و ارائه نظمی نوین و عادلانه برای آن گردید. انقلاب اسلامی با تجدیدحیات قدرت سیاسی اسلام، در ایجاد اعتماد و بیداری ملل تحت ستم، نقش مؤثری ایفا کرده و به چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی خاتمه داده و موجب بروز نوعی بیداری و احیاء اسلامی، آن هم بر پایه بازگشت به ایدئولوژی اسلامی گشت (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۵۱۸). امام خمینی^ع با اعتقاد به اینکه نهضت ملت ایران به‌عنوان نهضت مبارزه مستضعف در برابر مستکبر می‌بایست در میان همه ملت‌ها فراگیر شود؛ ایران را به‌عنوان الگویی برای بیداری ملت‌ها و به حرکت درآوردن آنها در راه مبارزه با

قدرت‌های سلطه‌جوی جهانی معرفی می‌کند:

باید این نهضت در تمام عالم - نهضت مستضعف در مقابل مستکبر - در تمام عالم گسترده شود. ایران مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف است در تمام اقصای عالم مسلمین به پا خیزند؛ بلکه مستضعفین به پا خیزند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۹۲).

امام راحل در طول سال‌های نهضت، توانست عامل روانی خودباختگی و خودکم‌بینی را از ملت ایران و در مرحله بعد از همه ملت‌های مسلمان دور کرده و اقدام به بازتولید ایده مبارزه و پایداری کنند. اسپوزیتو اوج گرفتن مفهوم هویت اسلام و بازگشت غرور و اقتدار ملت‌های مسلمان را تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران می‌داند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۹). براساس گفتمان قدرت نرم، تنها ابزارهای اعمال قدرت بازنگری و اصلاح کارکردی نمی‌شوند؛ بلکه افزون بر آن و در سطح عالی‌تر، منابع قدرت متحول شده و قدرت از درون جامعه می‌جوشد. فوکو در تحلیل خود از انقلاب اسلامی به همین نکته اشاره کرده و با تأکید بر توان بازسازی مداوم روحیه مبارزه و پایداری در مذهب تشیع می‌نویسد:

در برابر قدرت‌های مستقر، تشیع پیروان خود را به‌نوعی بی‌قراری مدام مسلح می‌کند و در ایشان شوری می‌دمد که هم سیاسی است و هم دینی... این مذهب تنها زبان ساده‌ای برای بیان آرزوهایی که الفاظ دیگری پیدا نکرده‌اند نیست؛ بلکه چیزی است که در گذشته هم بارها بوده؛ شکلی است که مبارزه سیاسی، همین که لایه‌های مردمی را بسیج کند، به خود می‌گیرد و از هزاران ناخرسندی، نفرت، بی‌نواهی و سرخوردگی یک نیرو پدید می‌آورد (فوکو، ۱۳۷۷، ص ۳۶-۳۷).

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی و در سال‌های پس از آن، روحیه مبارزه با سلطه و مظاهر آن، در کنار پایداری در برابر سختی‌ها و مشکلات، به‌تدریج موجب خلق نوعی قدرت نرم در میان امت اسلامی شد؛ که امروزه به نام فرهنگ مقاومت شناخته می‌گردد و پویایی و بالندگی آن موجب شده که به‌صورت فرایندی غیرقابل کنترل، مرزهای جغرافیایی را درنور دیده و باعث دگرگونی‌های عمیق در مناسبات بین‌المللی گردد. مقام معظم رهبری درباره اثرگذاری انقلاب اسلامی در این فرایند می‌فرماید: این پرچمی که شما به اهتزاز درآوردید دنیا را بیدار کرده است. ببینید امروز در فلسطین چه خبر است؛ ببینید در شمال

افریقا چه خبر است...؛ استکبار چه بخوهد و چه نخواهد
صهیونیسم چه بخوهد و چه نخواهد، اسلام از نو بیدار شده
است و این قهرمان عظیم قرن‌ها دوباره در وسط صحنه پیا
خاسته است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۱۰-۱۱).

نضج یافتن فرهنگ مقاومت در میان جوانان دنیای اسلام از
افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و... در ارتباط مستقیم با
آرمان‌هایی بود که امام خمینی^ع در قالب انقلاب اسلامی ایران
 مطرح کرد و در اندک زمانی کل دنیای اسلام را تحت تأثیر قرار داد.
چنان‌که اگستوس ریچارد نورتون در تحلیل روند قدرت‌یابی شیعیان
لبنان، انقلاب اسلامی را به‌عنوان الگوی جوانان شیعه لبنانی مطرح
می‌کند که به آنها نشان داد: «یک نهضت اسلامی خالص و کاملاً
سازمان‌یافته و دارای انگیزه می‌تواند دستاورد عظیمی در مقابله با
ستمگری و بی‌عدالتی داشته باشد» (کرامر، ۱۳۶۷، ص ۲۹۱).

به عقیده ماروین زونیس و دانیل برومبرگ، اندیشه انقلاب
اسلامی ذهنیت مسلمانان را متوجه نتایج انحطاط اخلاقی و بی‌عدالتی
اجتماعی - اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی کرد و با طرح مسئله
افتخار، شأن و احترام مسلمانان در برابر دست‌اندازی‌های سیاسی و
فرهنگی ابرقدرت‌ها، از جوانان دنیای اسلامی می‌خواهد بحران‌های
شخصی و وجودی خود را از طریق مبارزه با رژیم‌های نامشروع و
دست‌نشانده مرتفع سازند. از دیدگاه زونیس و برومبرگ، برقراری پیوند
میان روح سرخورده جوانان مسلمان و مبارزه و به حرکت درآوردن آنها،
ایدئولوژی امام خمینی^ع را به یک نیروی قوی در جهان اسلام مبدل
ساخت: «امام خمینی^ع با درهم آمیختن قلمرو سیاسی و معنوی
مسلمانان این امکان را می‌دهد که دنیای در حال دگرگونی خود را
بامعنا ساخته و درعین‌حال هدف سیاسی صدور انقلاب اسلامی را
گسترده سازند» (زونیس و برومبرگ، ۱۳۶۸، ص ۸۴). در سال‌های
ابتدایی انقلاب، نشریه معروف نیویورک‌تایمز با اشاره به این بُعد انقلاب
اسلامی نوشت: «ایران با آیت‌الله خمینی، مسیح‌وار فریاد رهایی از یوغ
سلطه خارجی را سر داده و داعیه تشکیل یک حکومت گسترده، مبتنی
بر اصول اسلامی را دارد. این مسئله غرب را در عرصه ایدئولوژیک و
سیاسی با بحران مواجه خواهد ساخت» (واعظی، ۱۳۷۹، ص ۳۱۶).

با توجه به آنچه گفته شد، صدور فرهنگی انقلاب به معنای
«تشریح و ترویج اهداف، آرمان‌ها، آموزه‌ها و گفتمان انقلاب اسلامی
به مردمان مشتاق» (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹، ص ۵۹). در

کنار تأکید بر آموزه‌های مبارزه با استکبار جهانی، ایجاد نظم
بین‌المللی عادلانه، تشکیل امت واحده، حمایت از جنبش‌های
آزادی‌بخش و ملل محروم و تشکیل حزب مستضعفین (موسوی
خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۶۵) و... منجر به ایجاد محور جدیدی در
نظام بین‌الملل، با حضور همه ملت‌های مستضعف گردیده که هرچند
هنوز شکل سازمان‌یافته پیدا نکرده است؛ اما تأثیرات غیرقابل‌انکاری
در منطقه و جهان از آمریکای لاتین تا آفریقا و شرق دور داشته
است. به‌طوری‌که احیا عنصر مبارزه و پایداری را می‌توان یکی از
ارکان اساسی کسب اعتبار و تولید جذابیت و اقتناع نسبت به انقلاب
اسلامی در میان توده‌های مسلمان دانست.

۵. ارائه الگوی مبارزه

در ربع پایانی قرن بیستم و درحالی‌که نظام سلطه جهانی می‌رفت با
فروپاشی بلوک شرق، نفوذ خود را در سراسر دنیا نهادینه سازد؛ انقلاب
اسلامی ایران به پیروی از سیره انبیا، منادی اصولی در روابط بین‌الملل
گردید که در دو کلمه «لا تظلمون و لا تظلمون» (بقره: ۲۷۹) (نه ستم
کنید، نه مورد ستم قرار گیرید)، خلاصه می‌شود. انقلاب اسلامی ایران
مبتنی بر مکتبی پایه‌گذاری گردید که فلسفه وجود تاریخی آن،
مقاومت در برابر انحراف و تحریف بوده و از همان ابتدا در
جست‌وجوی حقیقت و حقانیت بوده است. یکی از نویسندگان هسته
مرکزی تشیع و انقلاب منبعث از آن را در مخالفت دائمی با قدرت
حاکمه و در جست‌وجوی یک قدرت معنوی خلاصه می‌کند (عشقی،
۱۳۸۴، ص ۴۶)، که موجد الگویی خاص از پایداری و مبارزه، در نیمه
دوم قرن بیستم گردید؛ الگویی که همواره از پیروان خود می‌خواهد با
بی‌عدالتی و ستم به مبارزه برخیزند؛ حتی اگر در این را کشته شوند
(رایت، ۱۳۸۲، ص ۳۴). آن دسته از محققان انقلاب‌ها که در مورد
انقلاب اسلامی به مطالعه پرداخته‌اند، با توجه به همین الگوی ارائه‌شده
از سوی انقلاب ملت ایران، آن را برهم زنده نظم موجود جهانی تلقی
کرده‌اند؛ که بی‌شک تعادل بلوک‌های قدرت جهانی و سلطه اقتصادی
و سیاسی آنها را با چالش جدی مواجه کرده و مشروعیت روابط
بین‌الملل موجود را زیرسؤال برده است (برومبرگ، ۱۳۸۴، ص ۸۸).

مبارزه با ظلم و یاری مظلوم، از اصول مؤکد شیعه «كُونَا لِلظَّالِمِ
خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸، ص ۹۹۷) (دشمن
ستمگر و یاور مظلوم باشید) بوده و از همین‌رو امام راحل سیاست

اذعان کرد که نهادینه کردن مؤلفه مبارزه با ظلم و پایداری در برابر زورگویی‌ها و پرداخت هزینه‌های فراوان در مسیر حمایت از ملل محروم، به نظام جمهوری اسلامی ایران شخصیتی جذاب بخشیده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

خود این هم که شما در مقابل قدرت فائقه ظاهری استکبار - که امروز مظهرش آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و جهانی است - می‌ایستید، ارزش ایجاد می‌کند؛ خود این محبوبیت ایجاد می‌کند؛ خود این در دل ملت‌ها امید به وجود می‌آورد و پرورش می‌دهد؛ این را نباید از دست داد. مراقب باشید در روش‌ها، در اظهارات، در نوع برخورد، در نوع عملکرد، از این شعارها تجاوزی صورت نگیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۶).

امروزه قدرت نرم ناشی از ایستادگی ملت ایران امری غیرقابل انکار بوده، به طوری که حتی افرادی مانند جوزف نای نیز معتقدند: «به نظر من زمانی که ایران، به نماد استقلال تبدیل شده و ارزش‌های مردم خود را ترویج می‌کند، مورد احترام بقیه قرار می‌گیرد» (نای، ۱۳۸۹) و بنابراین «امروز ملت‌های منطقه از جمهوری اسلامی خوش‌شان می‌آید، به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش؛ این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این ترس را بیشتر بروز می‌دهند، بیشتر خوش‌شان می‌آید. خب، این نشانه آن است که راه این است. دیپلماسی ما باید در این جهت باشد؛ که خب، خوشبختانه دوستان زحمت‌های زیادی می‌کشند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۶/۲).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ که مبتنی بر نظریه امام راحل در جریان اندیشه سیاسی اسلام و در جغرافیای سرزمینی ایران اتفاق افتاد، مولد فکر جدید، انسان جدید و مناسبات انسانی - معنوی جدیدی در منطقه و جهان اسلام و به‌طور کلی در جهان بشری گردید. انقلاب اسلامی دارای ظرفیت‌های عظیم و بالقوه‌ای در خصوص منابع قدرت نرم است که فعلیت یافتن محدود آنها در طول بیش از چهل سال گذشته، موجب افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب و ایجاد چالش در برابر نفوذ نظام سلطه جهانی شده است. ارزش‌ها و باورهای بنیادین ارائه‌شده در قالب انقلاب اسلامی چون عدالت، خودباوری، مبارزه با ظلم، استقامت و پایمردی

خارجی جمهوری اسلامی ایران را بر مبنای دفاع از کیان اسلام و مسلمانان و حمایت از مظلومان عالم بنا نهادند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در حال مهیا هستیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۳۵). ایشان در مورد دفاع ملت ایران از مستضعفان و مظلومان جهانی می‌فرمایند: «ملت آزاده ایران هم‌اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است؛ کاملاً پشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم» (همان، ج ۱۲، ص ۱۳۶). این رویکرد انسانی و فراگیر به عنصر مبارزه و پایداری که آن را از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر برده و ماهیتی بین‌المللی به آن می‌بخشد نشانگر شکل‌گیری الگویی خاص از مبارزه و استقامت است که از جهات مختلفی با سایر الگوهایی که در کشورهای محروم و استثمارشده شکل گرفته‌اند متمایز است. از باب نمونه، براساس مبانی انقلاب اسلامی، هرگونه مبارزه‌ای مشروع نیست؛ بلکه آن جهاد و استقامتی از مشروعیت برخوردار است که در راه خدا و براساس موازین الهی انجام پذیرد. بر همین مبنا نیز آیت‌الله جوادی آملی معتقد است اسلام شعار «پایداری به هر قیمتی» را نفی کرده و به جای آن شعار «پایداری تنها در راه احقاق حق و اجرای عدل» را ارائه کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱۷، ص ۱۰۰).

مواجهه و رویارویی جدی و همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران با نظام سلطه جهانی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در ابعاد نظری و عملی، تأثیرات خاص و عمیقی را در جهان و به‌ویژه جنبش‌های اسلامی از خود به جای گذاشت. اگر تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، رویارویی با دنیای استکباری و ایستادگی در برابر غرب و آمریکا، تنها یک آرمان و ذهنیت دور از واقع تلقی می‌شد؛ با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پیروزی همه‌جانبه آن، جهان مستضعف به مبارزات ضداستعماری و رهایی‌بخش خویش امیدوار گردیده و نهضت‌های اسلامی در عرصه جهانی جان تازه‌ای یافت. به گفته رابین رایت، در طول چند دهه اخیر تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام بسیار بدیهی بوده است. وی اعتقاد دارد انقلاب ملت ایران جنبش‌های اسلامی را که در خلال جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل پدید آمده بودند به‌صورت جنبش‌های مخالف نظام‌های موجود در سراسر جهان اسلام درآورد (رایت، ۱۳۸۲، ص ۳۲). بنابراین می‌توان

دیگارد، ژان پیر، ۱۳۸۴، «مردم‌شناسان نزد آیت‌الله‌ها: رهیافت‌های مردم‌شناسانه از انقلاب ایران»، در: *اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*، به کوشش محمدباقر خرمشاد، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

رایت، رابین، ۱۳۸۲، *آخرین انقلاب بزرگ*، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران، رسا.

ردادی، محسن، ۱۳۸۹، *منابع قدرت نرم: سرمایه اجتماعی در اسلام*، تهران، دانشگاه امام صادق.

زونیس، ماروین و دانیل برومبگ، ۱۳۶۸، «تشیع به روایت خمینی»، در: *تشیع، مقاومت و انقلاب (مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو ۱۹۸۴)*، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران، پیشگام.

سعید، بابی، ۱۳۷۹، *هراس بنیادین*، ترجمه غلامرضا جمشیدیان و موسی مبرقع، تهران، دانشگاه تهران.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۳، مجمع البحرين، تهران، مکتبه المرتضویه.

عشقی، لیلی، ۱۳۸۴، «فرهنگ اسلامی سلاح مردم در انقلاب ایران»، در: *اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*، به کوشش محمدباقر خرمشاد، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

علی‌بابایی، غلامرضا، ۱۳۸۴، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، آشیان.

فوکو، میشل، ۱۳۷۷، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟*، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس.

کرامر، مارتین، ۱۳۶۷، «تشیع، مقاومت و انقلاب»، در: *مجموعه مقالات اجلاس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو (۱۹۸۴)*، تهران، پیشگام.

الگار، حامد، بی‌تا، *ایران و انقلاب اسلامی*، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مصباح‌محدثی، ۱۳۷۶، *تجاهم فرهنگی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۲، *پاسخ استاد به جوانان پرسشگر*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۳، *جنگ و جهاد در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۱، *نظریه سیاسی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

منصوری، جواد، ۱۳۷۴، *فرهنگ استقلال*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نای، جوزف، ۱۳۸۷، *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق.

_____، ۱۳۸۹، مصاحبه با خبرگزاری فارس، www.farsnews.com/news

واعظی، حسن، ۱۳۷۹، *ایران و آمریکا*، تهران، سروش.

یاوری، نوشین، ۱۳۸۴، «نفی غرب و استراتژی هویتی در ایران»، در: *اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*، به کوشش محمدباقر خرمشاد، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

و... به‌عنوان یکی از منابع عظیم و بی‌پایان تولید قدرت نرم‌افزاری در اندیشه سیاسی اسلام به‌شمار می‌رود که از طریق فرایندهای چندگانه‌ای به تولید قدرت می‌پردازند. در این میان خودباوری و مقاومت به‌عنوان دو رکن اساسی گفتمان انقلاب اسلامی، از خاصیت جذابیت‌آفرینی بی‌شماری در چارچوب ایده قدرت نرم برخوردارند که تحت فرایندهایی همچون افزایش اعتماد به نفس ملت‌ها، احیاء روحیه پایداری در میان آنها و ارائه الگوی مبارزه، به تولید قدرت نرم برای انقلاب اسلامی می‌پردازد.

منابع

نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸، ترجمه علی‌نقی فیض‌الاسلام اصفهانی، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت.

ابوالنصر، فضیل، ۱۳۷۸، *رویارویی عرب‌گرایی و اسلام‌گرایی*، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران، وزارت امور خارجه.

اسپوزیتو، جان، ۱۳۸۲، *انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، بارز.

استمپل، جان، ۱۳۷۷، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

افتخاری، اصغر و جواد یوسفی، ۱۳۹۱، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی فلسطین (۱۳۸۱-۱۳۸۷)*، تهران، دانشگاه امام صادق.

برومبرژ، کریستیان، ۱۳۸۴، «اسلام و انقلاب در ایران: چند اثر و نشانه برای یک قرائت و تحلیل»، در: *اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*، به کوشش محمدباقر خرمشاد، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، در: Khamenei.ir

جمعی از نویسندگان، بی‌تا، *دستاورد های عظیم انقلاب نسکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان*، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

جندی، انور، ۱۳۷۱، *اسلام و جهان معاصر*، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۱، *دین‌شناسی*، قم، مرکز نشر اسراء.

_____، ۱۳۸۳، *تفسیر موضوعی؛ جامعه در قرآن*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۴، *حق و تکلیف در اسلام*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۶، *الف، تفسیر موضوعی؛ حیات حقیقی انسان در قرآن*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۶، *ب، نسکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، قم، اسراء.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۷، *حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

خرمشاد، محمدباقر و مهدی بیگی، ۱۳۸۸، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی لبنان*، تهران، دانشگاه امام صادق.

دهقانی فیروزآبادی، جلال و فیروزه رادفر، ۱۳۸۹، *الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق.